

- ✽ حسادت و غیبه
- ✽ جبران اشتقاقی
- ✽ زیان های حسادت
- ✽ خطای جبران ناپذیر

## کودکان و حسادت

... و من شرح حسد اذا حسد  
 «از شرح حسود وقتی حسودی می کند»  
 (سوره فلق آیه ۵)

### اولین ستمگری و تجاوز

او جوانی باصفا و فداکار بود ، و در راه خدا ، گذشت فراوان داشت ، به همه نیکی می کرد و برادری داشت که تاریخ دل و حسود بود ، هر دو برای قربانی کردن آماده شدند ، « هابیل » که دامدار بود یکی از بهترین گوسفندان و فرآورده های آن را برای اینکار انتخاب نمود ، ولی « قابیل » که مردی کشاورز بود از بدترین قسمت زراعت خود خوشه ای را برای این منظور تهیه کرد .

قربانی « هابیل » به شایستگی پذیرفته شد ، قابیل در این آزمایش دچار شک شده تمام وجودش در آتش حسادت می سوخت « احساس کهری » سراهای وجودش را گرفته بود ، به او گفته شده بود که : **خدا از پرهیزگاران می پذیرد** ، او در راه درپیش داشت یا بدست تمام رفتارش را تغییر داده با تلاشی کوبنده راه نیکان را درپیش گیرد ، یا باید به وسوسه های

شیطان گوش داده از برادر، انتقام بگیرد ، اوچنین گمان می کرد که اگر برادرش نبود این خواری و ذلت پیش نمی آمد ! پس باید انتقام بگیرد و او را نابود سازد .  
برای اولین بار در صحنه گیتی بر اساس انگیزه حسادت ، خون بیگناهی ریخته شد .

\* \* \*

### حسادت و غبطه

دانشمندان اخلاق می گویند : حسود زوال نعمت را از شخص مورد حسد تقاضا می کند ، ولی شخصی که غبطه می خورد بجای اینکه تقاضای زوال و نابودی کند احساس می کند که عقب مانده کمبودی دارد ، دیگران از او جلوترند این اندیشه ها در او «نیازی» به وجود می آورد ، نیاز به برجسته شدن ، نیاز به کامل شدن . روانشناسان ، رمز پیشرفت و تکامل کودکان و انسان ها را در پیدایش همین «نیاز» میدانند ، چه تا تعادل آدمی بهم نخورد و احساس احتیاج ننماید هرگز نمی تواند بموقفیت برسد ، شخصی که دچار غبطه است نیازی در خود احساس می کند ، همین نیاز او را به تلاش دامنه داری و امیدارد ، که هم سختی ها و دشواری ها را برایش هموار می سازد .

بهترین معلمان کسانی هستند که می توانند تعادل شاگردان را بهم زده در عمق روحشان نیاز به کمال و تعالی را فراهم آورند ، و برخلاف این گروه ، افرادی که در زندگی مادی و معنوی ، هرگز احساس نیاز ننماید ، همانند موجودات بی ارزش ، ساکن و بی تحرک خواهند بود . پیشوایان دینی که به دقایق اصول تربیتی واقف بوده اند ، انسان های راستین را به غبطه خوردن تشویق نموده از حسادت ها باز می داشتند .

از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است :

« ان المؤمن یغبط ولا یحسد و المنافق یحسد ولا یغبط »

همانا مرد باایمان غبطه می خورد و رشک و حسد نمی برد و نری شخص منافق حسد می ورزد و غبطه نمی خورد .

\* \* \*

### جبران اشتقاقی

همه انسان ها بخصوص کودکان ، وقتی در برابر برجستگی و موفقیت یک فرد قرار می گیرند ، دیگر گونی روحی خاصی در آنان به وجود می آید که آنرا « احساس کهنتری » گویند انسان تا زمانی دارای درک و شعور است از این احساس رنج میبرد ، خود خوری میکند ، همه اینها در خصوصیت های وجودی انسان است ، ولی فرد متعادل ، به وسیله کانال کشی ،

می‌کوشد این کمبود را بطریقی دیگر تدارک نماید ، بعنوان مثال : کودکی که از نظر هوش و فکر برجستگی ندارد می‌کوشد تا با رعایت نظم و انضباط و حفظ کردن درسها ، این کمبود را تدارک نماید این کانال کشی را روانشناسان « **جبران اشتقاقی** » گویند ، در برابر این ویژگی ، نوع دیگری از جبران ، وجود دارد و آن عبارت از اینست که شخص حسود ، می‌کوشد بجای سازندگی و ساختن خود ، از راه ستیزه‌جویی وارد شده از آنکه برجستگی دارد انتقام بگیرد ، این نوع رفتار ، را « **جبران انتقامی** » گویند .

\* \* \*

### زیانهای حسادت

خارهای روحی که در جان انسان‌ها می‌خلد در درجه اول خودآنها را رنج و آزار می‌دهد ، شخص حسود پیش از آنکه دیگران را بسوزاند خویشتن را تباہ و نابود می‌سازد ، امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید : **الحاسد مضر بنفسه قبل ان یضر بالمحسود** یعنی « حسود پیش از آنکه به دیگران لطمه بزند به خود زیان می‌رساند ، سقراط می‌گوید : **شخص حسود از چاقی دیگران لاغر می‌شود** .

بدیهی است شخص حسود نمی‌تواند همیشه خود را در اندیشه‌های بدخواهانه ، نگه دارد بلکه این تفکرات به رفتارهای خارجی تبدیل شده به کارهای تخریبی دست خواهد زد ، در نتیجه خانه ایمان او ویران خواهد شد .

از ابی عبدالله علیه السلام چنین روایت شده است :

**« ان الحسد یاکل الایمان کما تاکل النار الحطب (۱) »**

بنابر این بیماری حسادت ، جان و دین شخص حسود را بر باد می‌دهد ، باید بکوشیم : **کودکان خود را از این بیماری خطرناک بر حذر داریم** .

### خطای جبران ناپذیر

مربیان لایق کسانی هستند که غریزه حب ذات را در کودک به خوبی رهبری کرده ، از طریق صحیح و اصولی این خواست طبیعی را به نحوی ارضاء نموده در پرتو آن ، سجایای اخلاقی و ملکات پسندیده را در وی ایجاد و او را از خطراتی که ممکن است از این رهگذر دامنگیرش شود بر حذر نگه می‌دارند .

یکی از وظایف دقیق اولیاء اطفال ، در راه پرورش صحیح کودکان ، حفظ تعادل و

توازن بین آنهاست پدران و مادرانی که چند فرزند دارند، لازم است در طرز رفتار و کیفیت احترام نسبت به هر کودکی مراعات شخصیت سایر کودکان خود را بنمایند تمام آنها را عملاً فرزند خوب به حساب آورند، و با همه عادلانه و بطور متساوی رفتار نمایند، در این باره رسول گرامی چنین میفرماید:

« **اعدلوا بین اولادکم کما تحبون ان یعدلوا بینکم** : بین فرزندان خود به عدالت رفتار نمائید همانطور که مایل هستید فرزندان شما و مردم، بین شما به عدل و داد رفتار کنند .

پدران و مادران که در اعمال علاقه و محبت، نسبت به فرزندان، مراعات عدل و تساوی را نمی‌نمایند و یکی از کودکان خود را بر سایر کودکان خویش ترجیح می‌دهند، عملاً آنها را به حسادت راهنمایی کرده‌اند از امام جعفر صادق (ع) روایتی چنین نقل شده است:

به خدا قسم، رفتار من با بعضی از فرزندانم از روی تکلف و بی‌میلی است او را روی زانوی خود می‌نشانم محبت بسیار می‌کنم و از روی قدردانی می‌نمایم با آنکه اینهمه احترام و محبت شایسته فرزند دیگر من است و من به این تکلف، تن در می‌دهم تا فرزند شایسته‌ام از شر آنان مصون باشد، و ایشان با برادر خود رفتاری را که برادران یوسف با وی کردند ننمایند. (۱)

رسول گرامی (ص) وقتی در مجلس می‌نشست نگاه‌های خود را بطور عادلانه بین اطرافیان خود تقسیم می‌نمود تا مبادا فردی، از این رهگذر، احساس ناراحتی ورنجشی بنماید. شایسته است رفتار رسول اکرم (ص) الگو برای همه پدران و مادران و مربیان قرار گیرد، تا هیچگونه زمینه‌ای برای حسادت کودکان به وجود نیاید.

۱ - مستدرک جلد دوم ص ۶۶

پیامبر اسلام فرمودند:

**ان اخوف ما اخاف علی امتی کل منافق علیم اللسان**

نهج الفصاحه ۵۸۵

ترسناکترین چیزی که: از آن، برای امتم می‌ترسم، منافقان و چند چهرگان سخنور و دانشمند است.